

۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. نام برده و هرکدام را با ذکر مثالی توضیح دهید.

۲- معیار فعل اخلاقی نزد افلاطون چیست؟

۳- به عقیده افلاطون چه زمانی یک فعل، فضیلت یا رذیلت به شمار می‌رود؟

۴- به عقیده افلاطون در وجود انسان چند قوه اصلی نهفته است و هرکدام چه ویژگی‌هایی دارد؟

۵- افلاطون در پاسخ به این سؤال که در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است، چه دیدگاهی ارائه می‌کند؟

۶- به نظر افلاطون، اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود، چه نتایج اخلاقی حاصل می‌شود؟

۷- به نظر افلاطون، برای اینکه انسان به نیک‌بختی و سعادت برسد، باید به چه فضیلت‌هایی آراسته گردد؟

۸- عامل سعادت و نیک‌بختی انسان نزد ارسطو چیست؟ توضیح دهید.

۹- به عقیده ارسطو، کدام دو قوه انسان همواره در معرض تفریط و افراط قرار دارند؟ توضیح دهید.

۱۰- ارسطو سعادت را چگونه تعریف می‌کند؟

۱۱- کانت، معیار فعل اخلاقی را در چه چیزی جست و جو می‌کند؟ توضیح دهید.

۱۲- قاعده اخلاقی کانت را نوشته و مقصود وی از این قاعده را توضیح دهید؟

۱۳- کانت جمله بسیار مشهوری دارد که براساس آن معتقد است دو چیزی وی را به شگفتی واداشته است؟ آن دو چیز کدامند؟

۱۴- باتوجه به دیدگاه فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست‌ها، ریشه‌های فعل اخلاقی را باید در کجا جست و جو کرد؟

۱۵- اولین قانون اخلاقی را نوشته و بگویید این عبارت که هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند، از کیست؟

۱۶- به عقیده توماس هابز، چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می‌کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری، ارزش حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمرده می‌شوند؟

۱۷- با توجه به دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان، منبع شناخت‌ها، فضیلت‌ها و رذیلت‌ها کدام است؟ توضیح دهید.

۱۸- علت نامگذاری عقل عملی به این نام چیست؟

۱۹- به عقیده فلاسفه مسلمان، انسان دارای چند نوع تمایلات است؟ آن‌ها را توضیح دهید.

۲۰- به عقیده فلاسفه مسلمان، علت انجام رذایل اخلاقی چیست؟

۲۱- چرا فلاسفه مسلمان، معتقدند شناخت فضائل و رذائل به تنهایی نمی‌تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟

۲۲- به عقیده فلاسفه مسلمان، به تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان به چه پشتوانه‌ای نیازمند است تا بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد؟

۲۳- به عقیده فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، آیا عمل به فضیلت، قطعی و حتمی می‌شود؟ چرا؟

سوال ۱

افعال طبیعی: کارهایی که انسان آن‌ها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می‌دهد. از قبیل خرید مایحتاج روزانه، ورزش و تفریح. افعال اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می‌گیرند؛ مانند احسان و گذشت

سوال ۲

از نظر افلاطون، فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت و حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود.

سوال ۳

به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود.

سوال ۴

در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند. قوه شهوت که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می‌خواند. قوه غضب که انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس‌العمل می‌کند. قوه عقل که خوب را از بد تشخیص می‌دهد و سعادت واقعی را شناسایی می‌کند.

سوال ۵

عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.

سوال ۶

افلاطون می‌گوید؛ اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار باشد؛ قوه شهوت، خویشتن‌داری پیش می‌گیرد. قوه غضب، متصف به شجاعت می‌شود. برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری عدالت میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.

سوال ۷

انسانی که آراسته به چهار فضیلت حکمت، خویشتن‌داری، شجاعت و عدالت است، نیک‌بخت است؛ این معیار میان همه انسان‌ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.

سوال ۸

ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می‌رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است. به تعبیری دیگر از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می‌رسد. ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می‌کند و آن را به عنوان امری درست می‌پذیرد.

سوال ۹

شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

سوال ۱۰

عمل بر طبق عقل و قابلیت انتخاب حد وسط و دستیابی به اعتدال.

سوال ۱۱

کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی جست و جو کرد. کانت می‌گوید هر انسان در درون خود حقیقی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می‌کند. هرکاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می‌شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می‌کند، انجام دهد، فضیلت است.

سوال ۱۲

کانت می‌گوید بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود. مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه‌ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

سوال ۱۳

یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

سوال ۱۴

فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست‌ها و عمومی کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می‌کنند. از نظر این گروه، انسان مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می‌دهد. بنابراین خوب و بد عناوینی هستند که خود ما به هر کار می‌دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا در غیر این صورت منفعت خودش نیز حفظ نمی‌شود.

سوال ۱۵

اولین قانون اخلاقی این است که آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که می‌توانی با دیگران زیست کنی – توماس هابز

سوال ۱۶

طبق این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد و در امانت نباید خیانت ورزید، براین اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی‌شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آن‌هاست... باید آن‌ها را مراعات کرد.

سوال ۱۷

عقل – عقل فضیلت‌هایی مانند عدل، احسان، خویشتن‌داری و شجاعت را کمالاتی می‌داند که باعث رشد و کمال روح می‌شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می‌دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت‌ها را دوست دارد و از

رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریاگریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال بازمی‌دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب رذائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می‌کند و به رضایت درونی می‌رسد.

سوال ۱۸

این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد عقل عملی، می‌نامند.

سوال ۱۹

انسان دو دسته تمایلات دارد: تمایلات مربوط به بعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت‌های مادی. تمایلات مربوط به بعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می‌شوند.

سوال ۲۰

علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت‌ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می‌شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می‌کشانند و مذایع رسیدن او به فضیلت‌ها می‌شوند و حتی او را به سوی رذیلت‌ها سوق می‌دهند.

سوال ۲۱

زیرا علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه‌ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به سبب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آن‌ها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می‌شود.

سوال ۲۲

این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست.

سوال ۲۳

خیر- در چنین شرایطی، عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی‌شود؛ زیرا در هر صورت انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.